



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۲۹

یونس نگاه

اشک رئیس الوزرای طالبان

(نکاتی در مورد فساد امارت از زبان رهبرش)

ملاحسن آخند در پیام صوتی تازه‌اش از طرف حضرت محمد (ص) به طالبان و مومنان سلام فرستاده و گفته است که بیست روز است آن حضرت مرا به‌خواب نمی‌ماند. کسی به ملاحسن بگوید که آن حضرت خوب می‌کند تو را به‌خواب نمی‌ماند، مگر روز وقت خواب است ملا؟ شب بخواب. او با گریه می‌گوید که امت محمد در حال غرق شدن و خراب شدن است، که همه امت به گناه اخته می‌باشند. تقوا نیست، پرهیز نیست. خطاب او به تمام علما، طالبان، مجاهدین، مردان و زنان است. اما از توضیحات بعدی‌اش معلوم است که رُخ سخنان او به کلان‌ها و جنگجویان طالب است نه به همه ملت. ملاحسن به چوپانی می‌ماند که گله چنددهزاری گرسنه و گپ نه فهم‌اش به کاشته‌های ملت هجوم آورده است و او از بربادی که پیش چشم‌هایش جریان دارد، احساس بیچارگی می‌کند.

طالبان د چار چه فسادهایی اند و ملاحسن از چه می‌نالند؟ تعدادی را او برشمرده ولی برای درک آنچه در درون طالبان و بر جامعه ما می‌گذرد کافی نیست. مجموعه فرمان‌های ملاحسن آخند که در سال 1420 {1999} در شماره 788 جریده رسمی وزارت عدلیه نشر شده، منبع خوبی برای پاسخ به این سوال است. ملاحسن نیز از سختی‌هایی که ملا محمد عمر آخند در امتحان الله دیده بود، با زاری یاد می‌کند.

الف - شکنجه و سرقت:

امیرالمومنین کلان طالبان در فرمان‌هایش از ظلم، تفرقه، فساد، آدم‌کشی و زورگویی طالبان بسیار نالیده است. در صفحه دوم مجموعه فرامین‌اش از زبان ملاحسن خطاب به طالبان آمده است: "طلبا دو نفر را در قشله جدید به سرقت دستگیر نموده بودند، هر دو تن را بالائرت و کوب کشتند... این به طور مثال، این چنینی واقعات دیگر هم به وقوع پیوسته است".

در صفحه چهارم آمده است: "طالبان محترم! السلام علیکم و رحمه الله و برکاته! این تحریک که برای اقامه دین خدا (ج) آغاز گردیده است، شما به دست خود آن را خراب می‌کنید. این را به‌کسانی می‌گویم که ... فکر می‌کنند در جنگ موتر پیدا کنند {چور کنند}، از محل جنگ گریز می‌کنند و اسلحه و موتر را دزدی می‌کنند... یا هم در فکر هوا و چوکی می‌باشند".

ب - فساد اخلاقی:

در صفحه شش خطاب به مسئولان ملکی و نظامی طالبان فسادهای سنگینی را نام می‌برد: "هرگاه... سلاح را پنهان نموده‌اید یا طور دیگری سرقت نموده‌اید یا حقوق مسلمانان را تلف نموده باشید و یا به‌همراه‌شان ظلم نموده باشید و یا زنا، لواطت و بی‌نمازی می‌نمایید و بی‌امری امیر را می‌نمایید... پس این سبب خرابی دین خدا (ج) می‌گردد". ملا از این افراد می‌خواهد که توبه کنند. اگر توبه نکنند از صف طالبان اخراج خواهند شد و امیرالمومنین آنان را دعای بد خواهد کرد. یاد ما نرود که این جرایم برای غیرطالبان جزا های سنگینی چون شلاق، بریده شدن اعضای بدن یا اعدام به همراه داشت.

در صفحه نهم، فرمان تاریخ‌داری از امیرالمومنین درج است (1374/03/11). عنوان فرمان "خارج نمودن برهنه‌رویان از صفوف طالبان" است. او از طالبان می‌خواهد که برهنه‌رویان (بچه‌پیش‌ها) را از دفتر و شعبه کار و سنگر خود دور کنند.

ظاهراً این فرمان امیر جدی گرفته نمی‌شود و در فرمان دیگری با هشدار می‌گوید: "گرچه چندین بار برای شما گفته شده است که در دلگی‌ها و محاذات با طلبا، برهنه‌روی‌ها نباشند، مگر تاکنون کاملاً عملی نگردیده است و باز هم برهنه‌روی‌ها با شما دیده می‌شوند".

درین فرمان نیز برای نافرمانان برهنه‌روی‌دار جزایی تعیین نمی‌شود بلکه امر می‌کند "همرای هرکسی که برهنه‌روی باشد، باید آن را جواب نماید و در آینده به بازگفتن ضرورت پیدا نشود." در پایان می‌گوید افرادی که ازین پس نیز سرپیچی کنند و برهنه‌رویان را جواب ندهند "مجبوراً به مجرم جزا داده خواهد شد".

مجرم طالب و مجرم غیرطالب از هم فرق دارند. ملا عمر چه با مهربانی و چشم‌پوشی آنان را هشدار می‌داده است که اگر جرم‌شان تکرار شود، او دعای بد خواهد کرد و اگر باز هم تکرار شود، مجبور خواهد شد، مجازات‌شان کند!

ج - قوم پرستی:

در سال 1375 امیرالمومنین کلان فرمانی برای جلوگیری از قوم‌پرستی داده است. او اول علمای کرام، طلبا و خاصتاً مسئولین مناطق و کار {مسئولان امور} را نام می‌برد. بعد می‌نویسد که در افشار ذکر شده بسیاری اشخاص به بوی بد قومیت گرفتار می‌باشند. ملای کلان می‌گوید دیگران با تبلیغ نیز اصلاح شدنی نیستند، زیرا که قومیت برای‌شان خون شریان گردیده است، ولی حداقل بزرگان طالبان باید قوم‌پرستی نکنند. ولی او از اصلاح اینان نیز امیدوار نبوده است: "این پیغام را برای شما نوشتم، مگر امید من نیست که این عمل را ترک نمایید.... پس انتظار عذاب خداوند (ج) را بنمایید".

د - زورگیری و اسراف:

در ادامه پیام‌ها ملا محمد عمر آخذ از اسراف، پوشیدن دستار به شیوه فاسقان، مهمانی‌های پرمصرف و بی‌جا، کشتن زنان و اطفال، وجود طالبان جعلی {تنش په نامه طالبان}، افراد دستوری و مخرب در صفوف طالبان، بی‌نظمی‌های اداری، و فساد مالی شکایت دارد. در فرمان 141 مورخ 1376/2/7 به طالبان توصیه می‌کند که از زندانیان ته‌جایی نگیرند و از کسانی که جلب می‌کنند، کرایه موتر و مصرف انتقال نگیرند! طالبان از زندانیان کرایه جای می‌گرفته‌اند و از فرد توقیف شده کرایه راه و مصرف توقیف می‌خواسته‌اند. این زورگیری حتماً چنان عام و زیاد بوده که ملای کلان برای اصلاح آن فرمان صادر کرده است.

ه - بازهم شکنجه:

در آغاز نوشتیم که ملا عمر طالبان‌اش را توصیه کرده بود که کسی را زیر کیل نکشند. ولی این فرمان اثرگذار نبوده و رسم کشتن با شکنجه ادامه داشته است. چند سال بعد او فرمان دیگری را به تاریخ 1419/1/10 {1998} صادر کرده و نوشته است: "طوری که اطلاع است، در بعضی از ولایات، ولسوالی‌ها و مراکز نظامی اکنون هم بدون امر شرعی اشخاص لت‌وکوب می‌گردند و یکتعداد به این‌قسم نیز فوت گردیده‌اند".

او از مسئولان امارت نخواستہ است تا آنانی را که بدون حکم شرعی افراد را با لت‌وکوب کشته‌اند به محکمه معرفی کنند، بلکه دستور می‌دهد که این افراد احضار شده و "از جانب ما برای‌شان بگویند که بدون فیصله شرعی و امر من باید هیچ شخص لت‌وکوب نگرند".

لت‌وکوب را یک سر منع نمی‌کند بلکه مشروط به اجازه خودش می‌سازد: "هرگاه لت‌وکوب شخصی ضروری پنداشته شود، باید در آن وقت توسط مخابره یا از طریق دیگر از من اجازه خواسته شود." {ص 74}

اینی‌تو حال است. ازین هم بدتر است. آنچه در اسناد رسمی خود نظام یا گروه انعکاس می‌یابد، مشیت نمونه خروار هم نیست. ملاحسن باید نخواست. رمه‌اش او را نیز خواهد خورد. وضعیت ترسناکی ست. هزاران لومین، بی‌سواد، بی‌خبر از دنیا، فارغ از قانون اما مجهز به تفنگ و تاگلو غرق در محرومیت به کشته وطن‌ها شده‌اند. چه انتظار دارید؟